

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد
رشته علوم قرآن و حدیث

موضوع:

بررسی فضای فرهنگی اجتماعی صدور خطبه های سبج البلاغه

استاد راهنما: حجة الاسلام دکتر حسن نقی زاده

استاد مشاور: دکتر مرتضی ایروانی

نگارش: احد داوری چلقائی

سال تحصیلی: ۸۵-۱۳۸۴

ران ملخی نزد سلیمان بردن
عیب است ولیکن هنر است از موری

اگر قابل تقدیم باشد؛

تقدیم به:

* پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم

* مولای متقیان، علی علیه السلام

* و همو که دو سال مهمان خوان کرمش بودم؛

امام رضا علیه السلام

سپاسگزاری

از جناب آقای دکتر نقی زاده که با تمام وجود خود را وقف علم و دانش و راهنمایی دانشجویان نموده اند، صمیمانه سپاسگزارم.

از استاد محترم مشاور، جناب آقای دکتر ایروانی که زحمت فراوانی را متحمل شدند، تشکر می‌نمایم.

تمام عزیزانی که هر کدام به نحوی در انتخاب، تأیید و تکمیل رساله به اینجانب یاری رساندند؛ از جمله اساتید محترم دانشکده، مسئولین کتابخانه تخصصی حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، مدیریت مکتب القرآن حضرت ابوالفضل علیه‌السلام و... شایسته قدردانی می‌باشند؛ توفیق هر چه بیشتر آنان را از خدای متعال خواستارم.

تشکر و سپاس از پدر و مادر فداکار و همسر مهربانم که امکان ایجاد این اثر را فراهم آوردند.

ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن
بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و
بالاترین کتاب رهایی بخش بشر است و
دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه
نجات است، از امام معصوم ما است.

وصیت نامه امام خمینی قدس سره الشریف



دفتر مدیریت تحصیلات تکمیلی

فرم چکیده پایان نامه تحصیلی دوره تحصیلات تکمیلی

نام خانوادگی دانشجو: داوری چلقایی	نام: احد
استاد راهنما: حجة الاسلام دکتر حسن نقی زاده	استاد مشاور: دکتر مرتضی ایروانی
رشته: الهیات	گرایش: علوم قرآن و حدیث
دانشکده: الهیات شهید مطهری	مقطع: کارشناسی ارشد
تاریخ دفاع: ۱۳۸۵/۶/۲۰	تعداد صفحات: ۱۶+۲۸۳ صفحه
عنوان پایان نامه: بررسی فضای فرهنگی اجتماعی صدور خطبه های نهج البلاغه	
کلید واژه ها: امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، نهج البلاغه و فضای صدور، خطبه های نهج البلاغه، فضای فرهنگی اجتماعی خطبه های نهج البلاغه	
<p>چکیده:</p> <p>فهم خطبه های گرانسنگ نهج البلاغه مرهون آشنایی با شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی عصر صدور این کلمات نورانی است؛ در این راستا نویسنده کوشیده است با ذکر اهمیت مساله، پیشینه تاریخی بحث را باز گو کند و ضمن تبیین روش های فهم فضای صدور، موارد کاربرد آن را متذکر شده و با آسیب شناسی بحث، میزان تاثیر فرهنگ زمانه در خطبه های نهج البلاغه را واکاوی نماید.</p> <p>در بخش اصلی رساله، شمای کلی فضای فرهنگی اجتماعی عصر امام علی علیه السلام ارائه و زمینه صدور بیشتر خطبه های نهج البلاغه بیان شده است.</p>	

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
پیشگفتار	۱.....
بخش اول: مقدمات و کلیات.....	۵.....
۱- بیان مساله و تبیین مفاهیم.....	۶.....
۲- اهمیت و ضرورت مساله.....	۲۰.....
۳- پیشینه تاریخی بحث.....	۲۶.....
۴- روش‌های فهم فضای صدور.....	۳۹.....
۵- موارد کاربرد فضای صدور.....	۴۴.....
۶- اشاره ای به معیار های پذیرش فضای صدور و ملاک نقد آن.....	۴۹.....
۷- بررسی میزان تأثیر فرهنگ زمانه در خطبه‌های نهج‌البلاغه.....	۵۳.....
بخش دوم: تبیین فضای صدور خطبه‌ها.....	۶۲.....
۱- شمایی از فضای فرهنگی اجتماعی عصر امام علی علیه‌السلام.....	۶۳.....
۲- تبیین فضای صدور خطبه‌ها.....	۷۸.....
خطبه اول.....	۷۸.....
خطبه ۲.....	۷۹.....
خطبه ۳.....	۸۰.....

۸۲.....	خطبه ۴.....
۸۳.....	خطبه ۵.....
۸۴.....	خطبه ۶.....
۸۵.....	خطبه ۷.....
۸۶.....	خطبه ۸.....
۸۷.....	خطبه ۹.....
۸۷.....	خطبه ۱۰.....
۹۰.....	خطبه ۱۱.....
۹۱.....	خطبه ۱۲.....
۹۳.....	خطبه ۱۳.....
۹۴.....	خطبه ۱۴.....
۹۴.....	خطبه ۱۵.....
۹۵.....	خطبه ۱۶.....
۹۶.....	خطبه ۱۷.....
۹۶.....	خطبه ۱۸.....
۹۷.....	خطبه ۱۹.....
۹۹.....	خطبه ۲۰.....
۹۹.....	خطبه ۲۱.....
۱۰۰.....	خطبه ۲۲.....
۱۰۱.....	خطبه ۲۳.....
۱۰۲.....	خطبه ۲۴.....
۱۰۲.....	خطبه ۲۵.....
۱۰۴.....	خطبه ۲۶.....
۱۰۶.....	خطبه ۲۷.....
۱۰۸.....	خطبه ۲۸.....
۱۰۹.....	خطبه ۲۹.....
۱۱۱.....	خطبه ۳۰.....
۱۱۲.....	خطبه ۳۱.....
۱۱۳.....	خطبه ۳۲.....
۱۱۵.....	خطبه ۳۳.....
۱۱۶.....	خطبه ۳۴.....

۱۱۷.....	خطبه ۳۵
۱۱۸.....	خطبه ۳۶
۱۱۸.....	خطبه ۳۷
۱۱۹.....	خطبه ۳۸
۱۲۰.....	خطبه ۳۹
۱۲۲.....	خطبه ۴۰
۱۲۴.....	خطبه ۴۱
۱۲۵.....	خطبه ۴۲
۱۲۶.....	خطبه ۴۳
۱۲۷.....	خطبه ۴۴
۱۲۹.....	خطبه ۴۵
۱۲۹.....	خطبه ۴۶
۱۳۰.....	خطبه ۴۷
۱۳۱.....	خطبه ۴۸
۱۳۱.....	خطبه ۴۹
۱۳۱.....	خطبه ۵۰
۱۳۲.....	خطبه ۵۱
۱۳۳.....	خطبه ۵۲
۱۳۳.....	خطبه ۵۳
۱۳۴.....	خطبه ۵۴
۱۳۵.....	خطبه ۵۵
۱۳۶.....	خطبه ۵۶
۱۳۷.....	خطبه ۵۷
۱۳۸.....	خطبه ۵۸
۱۳۸.....	خطبه ۵۹
۱۳۹.....	خطبه ۶۰
۱۳۹.....	خطبه ۶۱
۱۳۹.....	خطبه ۶۲
۱۴۱.....	خطبه ۶۳
۱۴۱.....	خطبه ۶۴
۱۴۱.....	خطبه ۶۵

١٤٢.....	خطبه٦٦
١٤٣.....	خطبه٦٧
١٤٤.....	خطبه٦٨
١٤٥.....	خطبه٦٩
١٤٦.....	خطبه٧٠
١٤٦.....	خطبه٧١
١٤٧.....	خطبه٧٢
١٤٨.....	خطبه٧٣
١٤٩.....	خطبه٧٤
١٥٠.....	خطبه٧٥
١٥٠.....	خطبه٧٦
١٥٠.....	خطبه٧٧
١٥٢.....	خطبه٧٩
١٥٣.....	خطبه٨٠
١٥٣.....	خطبه٨١
١٥٤.....	خطبه٨٢
١٥٤.....	خطبه٨٣
١٥٥.....	خطبه٨٤
١٥٧.....	خطبه٨٦
١٥٧.....	خطبه٨٧
١٥٨.....	خطبه٨٨
١٥٨.....	خطبه٨٩
١٥٩.....	خطبه٩١
١٦٠.....	خطبه٩٢
١٦١.....	خطبه٩٣
١٦١.....	خطبه٩٤
١٦٢.....	خطبه٩٧
١٦٢.....	خطبه٩٨
١٦٣.....	خطبه٩٩
١٦٣.....	خطبه١٠٠
١٦٤.....	خطبه١٠١

۱۶۴.....	خطبه ۱۰۲.....
۱۶۵.....	خطبه ۱۰۳.....
۱۶۵.....	خطبه ۱۰۴.....
۱۶۶.....	خطبه ۱۰۵.....
۱۶۶.....	خطبه ۱۰۶.....
۱۶۷.....	خطبه ۱۰۷.....
۱۶۸.....	خطبه ۱۰۸.....
۱۶۹.....	خطبه ۱۰۹.....
۱۶۹.....	خطبه ۱۱۱.....
۱۷۰.....	خطبه ۱۱۲.....
۱۷۰.....	خطبه ۱۱۳.....
۱۷۱.....	خطبه ۱۱۴.....
۱۷۱.....	خطبه ۱۱۵.....
۱۷۱.....	خطبه ۱۱۶.....
۱۷۲.....	خطبه ۱۱۷.....
۱۷۲.....	خطبه ۱۱۸.....
۱۷۳.....	خطبه ۱۱۹.....
۱۷۴.....	خطبه ۱۲۰.....
۱۷۴.....	خطبه ۱۲۱.....
۱۷۵.....	خطبه ۱۲۲.....
۱۷۶.....	خطبه ۱۲۳.....
۱۷۶.....	خطبه ۱۲۴.....
۱۷۷.....	خطبه ۱۲۵.....
۱۷۸.....	خطبه ۱۲۶.....
۱۷۹.....	خطبه ۱۲۷.....
۱۷۹.....	خطبه ۱۲۸.....
۱۸۰.....	خطبه ۱۳۰.....
۱۸۱.....	خطبه ۱۳۱.....
۱۸۲.....	خطبه ۱۳۲.....
۱۸۲.....	خطبه ۱۳۳.....
۱۸۳.....	خطبه ۱۳۴.....

۱۸۳.....	خطبه ۱۳۵.....
۱۸۵.....	خطبه ۱۳۶.....
۱۸۶.....	خطبه ۱۳۷.....
۱۸۷.....	خطبه ۱۳۸.....
۱۸۷.....	خطبه ۱۳۹.....
۱۸۸.....	خطبه ۱۴۱.....
۱۸۹.....	خطبه ۱۴۲.....
۱۸۹.....	خطبه ۱۴۳.....
۱۹۰.....	خطبه ۱۴۵.....
۱۹۰.....	خطبه ۱۴۶.....
۱۹۱.....	خطبه ۱۴۷.....
۱۹۱.....	خطبه ۱۴۸.....
۱۹۲.....	خطبه ۱۴۹.....
۱۹۲.....	خطبه ۱۵۱.....
۱۹۳.....	خطبه ۱۵۲.....
۱۹۴.....	خطبه ۱۵۳.....
۱۹۴.....	خطبه ۱۵۴.....
۱۹۴.....	خطبه ۱۵۵.....
۱۹۵.....	خطبه ۱۵۶.....
۱۹۵.....	خطبه ۱۵۷.....
۱۹۵.....	خطبه ۱۵۸.....
۱۹۶.....	خطبه ۱۵۹.....
۱۹۷.....	خطبه ۱۶۲.....
۱۹۸.....	خطبه ۱۶۳.....
۱۹۸.....	خطبه ۱۶۴.....
۱۹۹.....	خطبه ۱۶۵.....
۲۰۰.....	خطبه ۱۶۶.....
۲۰۰.....	خطبه ۱۶۷.....
۲۰۱.....	خطبه ۱۶۸.....
۲۰۱.....	خطبه ۱۶۹.....
۲۰۲.....	خطبه ۱۷۰.....

٢٠٣.....	خطبه ١٧١.....
٢٠٣.....	خطبه ١٧٢.....
٢٠٤.....	خطبه ١٧٣.....
٢٠٤.....	خطبه ١٧٤.....
٢٠٥.....	خطبه ١٧٥.....
٢٠٥.....	خطبه ١٧٦.....
٢٠٦.....	خطبه ١٧٧.....
٢٠٦.....	خطبه ١٧٨.....
٢٠٧.....	خطبه ١٧٩.....
٢٠٨.....	خطبه ١٨٠.....
٢٠٨.....	خطبه ١٨١.....
٢٠٩.....	خطبه ١٨٢.....
٢١٠.....	خطبه ١٨٤.....
٢١٠.....	خطبه ١٨٥.....
٢١١.....	خطبه ١٨٦.....
٢١١.....	خطبه ١٨٧.....
٢١٢.....	خطبه ١٨٨.....
٢١٢.....	خطبه ١٨٩.....
٢١٢.....	خطبه ١٩٠.....
٢١٣.....	خطبه ١٩١.....
٢١٣.....	خطبه ١٩٢.....
٢١٤.....	خطبه ١٩٣.....
٢١٥.....	خطبه ١٩٤.....
٢١٥.....	خطبه ١٩٥.....
٢١٥.....	خطبه ١٩٧.....
٢١٦.....	خطبه ١٩٨.....
٢١٦.....	خطبه ١٩٩.....
٢١٧.....	خطبه ٢٠٠.....
٢١٧.....	خطبه ٢٠١.....
٢١٨.....	خطبه ٢٠٢.....
٢١٩.....	خطبه ٢٠٣.....

٢١٩.....	خطبه ٢٠٤.....
٢٢٠.....	خطبه ٢٠٥.....
٢٢١.....	خطبه ٢٠٦.....
٢٢٢.....	خطبه ٢٠٧.....
٢٢٣.....	خطبه ٢٠٨.....
٢٢٤.....	خطبه ٢٠٩.....
٢٢٥.....	خطبه ٢١٠.....
٢٢٦.....	خطبه ٢١٢.....
٢٢٦.....	خطبه ٢١٣.....
٢٢٧.....	خطبه ٢١٤.....
٢٢٧.....	خطبه ٢١٥.....
٢٢٧.....	خطبه ٢١٦.....
٢٢٨.....	خطبه ٢١٧.....
٢٢٩.....	خطبه ٢١٨.....
٢٣٠.....	خطبه ٢١٩.....
٢٣٠.....	خطبه ٢٢١.....
٢٣١.....	خطبه ٢٢٢.....
٢٣١.....	خطبه ٢٢٣.....
٢٣١.....	خطبه ٢٢٤.....
٢٣٢.....	خطبه ٢٢٦.....
٢٣٣.....	خطبه ٢٢٨.....
٢٣٤.....	خطبه ٢٢٩.....
٢٣٥.....	خطبه ٢٣٠.....
٢٣٥.....	خطبه ٢٣١.....
٢٣٦.....	خطبه ٢٣٢.....
٢٣٦.....	خطبه ٢٣٣.....
٢٣٧.....	خطبه ٢٣٤.....
٢٣٧.....	خطبه ٢٣٥.....
٢٣٨.....	خطبه ٢٣٦.....
٢٣٨.....	خطبه ٢٣٧.....
٢٣٨.....	خطبه ٢٣٨.....

۲۳۹.....	خطبه ۲۳۹.....
۲۳۹.....	خطبه ۲۴۰.....
۲۴۰.....	خطبه ۲۴۱.....
۲۴۱.....	نتیجه.....
۲۴۳.....	فهرست منابع.....
۲۴۴.....	الف: کتاب‌ها.....
۲۶۳.....	ب: مقاله ها.....
۲۶۶.....	جدول اختلاف نسخ خطبه های نهج البلاغه.....

به نام خدای علی اعلی

پیشگفتار

یا علی گفتیم و عسو آغاز شد....

نهج البلاغه، این اثر جاودانه، برگرفته از انوار سخنان گهربار امیرمومنان علی علیه السلام، بزرگمرد تاریخ بشریت است که هیچ‌گاه گذشت زمان پرده کهنگی و غبار فراموشی بر سیمای پرفروغ او نیفکنده و از شکوه آن نکاسته و جلوه‌های تقوا، عدالت، جهاد و دیگر صفات برجسته او را از یاد نبرده و در برابر دنیایی از عظمت، دانش و حکمت او سر تعظیم فرود آورده است؛ جاذبه‌های کلام امیرمومنان از مرزهای تعصب و فرقه‌گرایی در گذشته، دوست و دشمن را به ستایش واداشته که با زبان اندیشه و سوز دل گونه‌ای از فضیلت او را بیان کرده اند.

از امتیازهای شخصی کلام مولی علی علیه السلام این است که افزون بر جذب خاطرها و اندیشه‌ها، به دل‌ها و روح‌ها؛ نور، حرارت، عشق،

نشاط، ایمان و استحکام می بخشد^۱ و شاید به همین علت باشد که عالمان بزرگی گلهایی از این گلستان سخن، چیده و در آن به تامل نشسته اند؛ نویسنده هم قصد دارد در این وادی گام نهاده و در حد توان خود به بررسی سبب ایراد خطبه‌های نهج‌البلاغه پردازد، بدین منظور پایان نامه را در موضوع «بررسی فضای فرهنگی اجتماعی صدور خطبه‌های نهج‌البلاغه» به دو بخش مجزا تقسیم نموده است؛ بخش اول شامل مقدمات بحث است که بیان مساله و تبیین مفاهیم موضوع، اهمیت و ضرورت مساله، بررسی پیشینه تاریخی بحث، روش‌های فهم فضای صدور موارد کاربرد آن، آسیب‌شناسی و ملاک‌های نقد و بالاخره بررسی میزان تاثیر فرهنگ زمانه در خطبه‌های نهج‌البلاغه را مورد کاوش قرار داده و بخش دوم به تبیین فضای صدور هر یک از خطبه‌ها می پردازد. پیش از بیان فضای صدور که بیشترین بخش رساله را به خود اختصاص داده است، شمایی از فضای فرهنگی اجتماعی عصر امام علی علیه‌السلام ارائه شده است و سپس تا آنجا که نگارنده توانسته، اطلاعات به دست آمده در خصوص هر یک از خطبه‌ها را آورده است؛ هرچند مدعی نیست که همه منابع را جستجو نموده و پژوهشی کامل عرضه نموده باشد. به همین جهت هرچا پژوهش به نتیجه ای دست نیافته و تصویری از فضای صدور خطبه را ترسیم ننموده، به نارسایی کار خود تصریح نموده است.

نویسنده نه مدعی استقصای همه منابع است و نه توان ارائه بهترین سامانه را دارد، و نه از چنان فرصت و دقتی برخوردار است؛ چرا که پرداختن به یکی از ذخایر فرهنگی جهان اسلام از سوی فردی که تازه با الفبای نوشتن آشنا شده است، کاری بس سنگین و دشوار می باشد؛ اما بر این باور است که جنبه‌های مثبت آن از فیوضات علوی سرچشمه گرفته و نقطه ضعف‌ها و کاستی‌های آن ناشی از قصور و عجز نگارنده است.

در این مجال ذکر چند نکته مفید به نظر می رسد:

۱. نگارنده در ترسیم فضای فرهنگی اجتماعی صدور خطبه‌ها که به نوعی اقدام سندشناسانه برای مطالب نهج‌البلاغه نیز محسوب می شود، کوشیده‌است در صورت امکان از منابع دست اول تاریخی و روایی استفاده شود؛ اما در برخی موارد که این منابع در دسترس نبوده‌اند از دیگر نگاه‌ها و از جمله از پژوهش‌های معاصر بهره گرفته شده است، به عنوان مثال در ذیل خطبه ۳۸ «وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ الشَّبَهَةَ شُبُهَةً لِإِنَّهَا تُشَبِّهُ الْحَقَّ» فقط منابع معاصر پیام امام، المدخل الی علوم نهج‌البلاغه و پرتوی از نهج‌البلاغه استفاده شده است.^۱
۲. در ترجمه متون دینی، اعم از قرآن یا نهج‌البلاغه تا جایی که توانسته ایم هم متن عربی را ذکر کرده و هم ترجمه فارسی را در ذیل آن آورده ایم و در مورد سایر منابع تاریخی فقط به ذکر ترجمه اکتفا کرده‌ایم، مگر در مواردی که به دلیلی ذکر متن عربی ضرورت یافته، یا جمله‌ای معروف یا کوتاه بوده که بنا به ضرورت و اهمیت مطلب هم متن عربی و هم ترجمه آن ذکر شده است.
۳. شماره خطبه‌های نهج‌البلاغه با این کتاب‌ها مطابقت دارد: ترجمه و شرح نهج‌البلاغه علامه جعفری، منهاج البراعة فی شرح نهج‌البلاغه حبیب الله خوئی؛ ترجمه نهج‌البلاغه امامی و آشتیانی (زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی)؛ و نیز پیام امام آیت الله مکارم شیرازی و همکاران؛ ترجمه محمد جواد شریعت، ترجمه محمد دشتی و ترجمه سید جعفر شهیدی. البته به علت اختلاف نسخه‌های نهج‌البلاغه در شماره خطبه‌ها، در پایان به ترسیم جدولی که این اختلاف را نشان دهد، پرداخته‌ایم.
۴. گاهی در برخی منابع تاریخی یا روایی، فقط قسمتی از یک خطبه بازگوشده است و یا نقل مزبور اختلاف ناچیزی با خطبه نهج‌البلاغه به نقل سید رضی دارد؛ در چنین مواردی فضای صدور را از همان

منبع بدون توجه به اختلاف موجود نقل کرده ایم و در برخی موارد که اختلاف چشمگیر بوده، مورد غفلت قرار نگرفته است.

پروردگارا ما را از رهروان واقعی مولای متقیان علی علیه السلام قرار ده!

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

حرم مطهر رضوی

میلاذ با سعادت امام حسن عسکری علیه السلام سال

پیامبر اعظم

۸۵/۲/۱۶

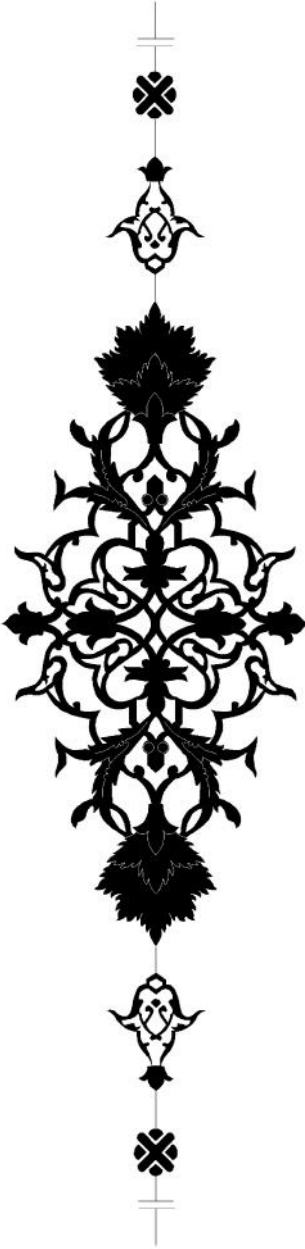
داوری

بخش اول

مقدمات

و

کلیات



۱- بیان مساله و تبیین مفاهیم موضوع

از آنجا که درک و انتقال معانی، بدون به کار گیری الفاظ میسر نیست و تلقی غیرهمسان از واژگان، موجب بروز مشکلاتی در فهم مقصود می‌گردد، چاره‌ای جز این نیست که واژگان کلیدی که اهمیتی ویژه برای تحقیق دارند و در نوشتار مکرر به کار بسته شده‌اند، توضیح داده شوند تا معانی‌ای که نویسندگان از آنها در ذهن دارند به درستی به خواننده منتقل و فرایند انتقال پیام محقق گردد. برای نیل به این مقصود در این قسمت به بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی «فرهنگی»، «اجتماعی»، «خطبه» و «نهج‌البلاغه» خواهیم پرداخت و سپس منظور خود را از «فضای فرهنگی اجتماعی صدور خطبه‌های نهج‌البلاغه» به طور اصطلاحی بیان خواهیم کرد.

۱-۱- واژه «فرهنگی»

فرهنگ از پیشوند «فر»+ «هنگ» از ریشه تنگ تشکیل شده است^۱ که به صورت «فرهنگ» نیز استعمال شده^۲ و از لحاظ لغوی در معانی زیر به کار رفته است:

— علم و دانش^۱

۱. دهخدا، علی اکبر (۱۲۵۸؟-۱۳۳۴ش)؛ لغت نامه دهخدا، ج ۱۱، ص ۱۷۱۳۲.

۲. عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، ج ۳، ص ۱۸۳۷.

- ادب و تربیت^۲
- بزرگی و سنجیدگی^۳
- کتاب لغت فارسی^۴
- مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم^۵
- آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت^۶
- عقل و خرد^۷
- آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت، امور مربوط به مدارس و آموزشگاهها^۸
- تدبیر و چاره^۹
- مجموعه‌ای از آگاهی‌های فردی در باره هنر، ادبیات، علم سیاست و مانند آنها
- که کسی برای ارتقای فکری و تربیتی خود می‌آموزد^{۱۰}.
- کاریز آب^{۱۱}
- شاخه درختی که در زمین خوابانیده، از جای دیگر سربرآورد^{۱۲}.

-
۱. برهان، محمد حسین بن خلف (قرن ۱۱)؛ برهان قاطع، ج ۳، ص ۱۴۸۱؛ معین، محمد (۱۲۹۱-۱۳۵۰ ش)؛ فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۲۵۳۸؛ دهخدا، علی اکبر (۱۲۵۸-؟-۱۳۳۴ ش)؛ لغت نامه دهخدا؛ ج ۱۱، ص ۱۷۱۳۲.
 ۲. برهان، محمد حسین بن خلف (قرن ۱۱)؛ برهان قاطع، ج ۳، ص ۱۴۸۱؛ عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، ج ۳، ص ۱۸۳۷.
 ۳. برهان، محمد حسین بن خلف (قرن ۱۱)؛ برهان قاطع، ج ۳، ص ۱۴۸۱.
 ۴. پیشین.
 ۵. معین، محمد (۱۲۹۱-۱۳۵۰ ش)؛ فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۲۵۳۸.
 ۶. عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، ج ۳، ص ۱۸۳۷.
 ۷. دهخدا، علی اکبر (۱۲۵۸-؟-۱۳۳۴ ش)؛ لغت نامه دهخدا؛ ج ۱۱، ص ۱۷۱۳۲.
 ۸. پیشین؛ نیز انوری، حسن؛ فرهنگ بزرگ سخن، ج ۶، ص ۵۳۴۷.
 ۹. انوری، حسن؛ فرهنگ بزرگ سخن، ج ۶، ص ۵۳۴۷.
 ۱۰. پیشین.
 ۱۱. برهان، محمد حسین بن خلف (قرن ۱۱)؛ برهان قاطع، ج ۳، ص ۱۴۸۱؛ فرهنگ معین، محمد (۱۲۹۱-۱۳۵۰ ش)؛ فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۲۵۳۹.
 ۱۲. برهان، محمد حسین بن خلف (قرن ۱۱)؛ برهان قاطع، ج ۳، ص ۱۴۸۱.

در دایرة المعارف فارسی این واژه در علم مردم شناسی به معنی «راه و رسم زندگی یک جامعه» آمده است^۱ و در فرهنگ بزرگ سخن اولین معنای این واژه چنین آمده است: «پدیده کلی پیچیده‌ای از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعد است»^۲.

هر قوم و ملتی به مقتضای زمان و مکان و عواملی موثر بر آن شکل خاص و ساختار ویژه‌ای دارند که همان شکل و ساختار، منشأ تصمیم‌ها و انگیزه‌ها، حرکات و سکناات آن قوم و ملت خواهد بود که در قرآن کریم از این معنی به «شاکلة» تعبیر شده است^۳ آنجا که می‌فرماید: «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ»^۴.

با توجه به معنای «فرهنگ» در کتاب‌های فرهنگ و لغت‌نامه‌ها، ذیل واژه «فرهنگی» چند معنی ذکر شده است که می‌توان مهم‌ترین آنها را چنین برشمرد:

- مربوط و منسوب به فرهنگ^۵
- معلم، مربی و مدرس، استاد، آموزگار^۶
- بافرهنگ، باادب، مودب^۷
- کارمند وزارت آموزش و پرورش^۸
- آداب‌دان، ادیب، فاضل^۹

از جنبه اصطلاحی برای فرهنگ تعریف‌های گوناگونی صورت گرفته است^۱، برخی آن را «مجموعه رفتارهای اکتسابی و ویژگی‌های اعتقادی جامعه» دانسته‌اند و عده‌ای در تعریف آن

۱. مصاحب، غلامحسین (۱۲۸۹-۱۳۵۸ش)؛ دایرة المعارف فارسی، ج ۲، ص ۱۸۵۹.

۲. انوری، حسن؛ فرهنگ بزرگ سخن، ج ۶، ص ۵۳۴۶.

۳. حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، ج ۸، ص ۴۹.

۴. اسراء/ ۸۴

۵. معین، محمد (۱۲۹۱-۱۳۵۰ش)؛ فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۲۵۳۹؛ عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، ج ۳، ص ۱۸۳۷.

۶. پیشین و نیز دهخدا، علی اکبر (۱۲۵۸؟-۱۳۳۴ش)؛ لغت نامه دهخدا؛ ج ۱۱، ص ۱۷۱۳۳.

۷. معین، محمد (۱۲۹۱-۱۳۵۰ش)؛ فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۲۵۳۹؛ عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، ج ۳، ص ۱۸۳۷.

۸. معین، محمد (۱۲۹۱-۱۳۵۰ش)؛ فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۲۵۳۹.

۹. انوری، حسن؛ فرهنگ بزرگ سخن، ج ۶، ص ۵۳۴۷.

آورده‌اند: «انبوه واکنش‌های حرکتی اکتسابی، فنون، اندیشه‌ها، ارزش‌ها و رفتار ناشی از آنها فرهنگ را تشکیل می‌دهند»؛ بنابراین جوهره اصلی فرهنگ «اندیشه و معرفت» است که به همه امور زندگی انسان از کوچکترین تا بزرگترین سطح ارتباط می‌یابد و رابطه فرد با همه امور زندگی را بیان می‌کند و انسان برای زندگی در جامعه آنها را یاد می‌گیرد و لذا اکتسابی است.^۱

با توجه به تعریف فوق، عناصر عمده فرهنگ عبارتند از: ارزش‌ها، هنجارها و ارتباطات نمادین. این عناصر مبانی اندیشه و معرفت انسان را در همه امور و زمینه‌ها نشان می‌دهند و عضویت یک فرد را در جامعه امکان‌پذیر می‌سازند.^۲

۱-۲- واژه «اجتماعی»

از لحاظ لغوی برای اجتماع معانی مختلفی بیان شده‌است، از جمله آنها می‌توان به موارد

زیر اشاره کرد:

- گرد آمدن، تجمع کردن، انجمن شدن، فراهم آمدن
- اتفاق کردن بر چیزی
- گروه فراهم آمده، دسته‌ای که برای هدفی مشترک گرد هم جمع شوند.
- جامعه^۳
- قوی شدن
- جوان گردیدن
- برآمدن تمام ریش
- به جای مردان رسیدن کودک، به بلاغت رسیدن
- سازگاری نمودن

۱. ر. ک. آشوری، داریوش؛ تعریفها و مفهوم فرهنگ.

۲. بهروان، حسین، آسیب‌شناسی فرهنگی در اندیشه امام علی علیه السلام؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۱۳۰-۱۳۱، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، ص ۵۳۸.

۳. پیشین، ص ۵۴۰.

۴. معین، محمد (۱۲۹۱-۱۳۵۰ ش)؛ فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۴۶.

- عزم کردن
 - در علم نجوم: محاق، مقارنه ماه با آفتاب، آنگاه که آفتاب و ماه در یک برج به یک درجه و یک دقیقه جمع شوند و در این وقت ماه از نظر گم و غایب می‌شود^۱
 - در «رمل» نام شکل یازدهم یا چهاردهم یا شکل پانزدهم رمل^۲ و واژه «اجتماعی» به معنی
 - مربوط به اجتماع، منسوب به اجتماع، کاری که به جامعه و همگان بستگی داشته‌باشد^۳
 - کسی که با آداب و رسوم همگانی آشنا و دمساز است^۴
 - سوسیالیست^۵
- منظور ما از «اجتماعی» در این مجال مورد اول خواهد بود، یعنی «امور مربوط به جامعه و اجتماع»

۱-۳- واژه «خطبه»

خطابه و سخنوری یکی از ابزار مهمی است که بشر در دوران طولانی تاریخ خود برای پیشبرد مقاصد و حفظ فرهنگ و آداب و رسوم و آیین خویش از آن استفاده کرده‌است؛ از آثار یونانیان باستان به دست می‌آید که سخنوری در یونان شایع بوده و افرادی همچون ارسطو و افلاطون از جمله اساتید این فن به شمار می‌رفتند، رومیان نیز از یونانیان فن خطابه را آموخته و در موارد لازم به کار می‌بردند. خطبه سرایی و شعر گویی در میان عرب نیز واجد مقام بلندی

۱. دهخدا، علی اکبر (۱۲۵۸؟-۱۳۳۴ش)؛ لغت نامه دهخدا؛ ج ۱، ص ۱۰۴۹.

۲. معین، محمد (۱۲۹۱-۱۳۵۰ش)؛ فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۴۶.

۳. پیشین؛ عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۱۰۳.

۴. معین، محمد (۱۲۹۱-۱۳۵۰ش)؛ فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۴۶.

۵. پیشین. (سوسیالیسم نظریه یا خط مشی ای که معتقد است باید عوامل و وسایل تولید و پخش کالا و مانند آنها در مالکیت عموم باشد؛ انوری، حسن؛ فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، ص ۴۳۱۹).

۶. سپهر خراسانی، احمد؛ امام علی علیه السلام بزرگترین خطیب تاریخ؛ فصلنامه نهج البلاغه، ش ۱، ص ۴۴.

شد، ولی هنگامی که خورشید درخشان جهان آفرینش و عالم بشریت به نام پیشوای دین مقدس اسلام طلوع کرد، مردم جزیره العرب که سال‌ها به توحش و غارتگری، سفاهت و کینه توزی، خونریزی و جفاجویی عمر گذرانیده، جز اباطیل و اساطیر سخنی نشنیده بودند، ناگهان آیات قرآنی، احادیث قدسی و خطبه‌های بلیغ نبوی را استماع کردند و با معانی و مضامین بدیع آشنا شدند و تحولی در روش خطابه به وجود آوردند.^۱

اما اینکه خطبه چه مفهومی دارد و تفاوت آن با سخنرانی معمولی در چیست؟ متأسفانه در کتاب‌های لغت معنای واضحی برای این لغت یافت نمی‌شود، گرچه در برخی موارد معانی قابل توجهی از این واژه ارائه شده‌است؛ آنچه از کتاب‌های لغت به دست می‌آید این است که:

الف: خُطْبَة از ریشه «خ ط ب» گرفته شده‌است و «الخَطْب» به معنی سبب / امر می‌باشد^۲

ب: از ریشه «خ ط ب» دو واژه «خُطْبَة» (با ضم) و «خِطْبَة» (با کسر) اشتقاق یافته است که باهم از لحاظ معنایی تفاوت دارند. خُطْبَة (با ضم) به معنای کلامی است که سخنران بر زبان می‌آورد^۳ ولی خِطْبَة (با کسر) به معنای خواستگاری از زن است^۴. دو جمله زیر این تفاوت را به خوبی بیان می‌کند:

– خَطَبْتُ عَلَى الْمَنبَرِ خُطْبَةً (با ضم)

– خَطَبْتُ الْمَرْأَةَ خِطْبَةً (با کسر)^۵

ج: خُطْبَة (با ضم) بر وزن فُعْلَة به معنی مفعول است، یعنی سخن ایراد شده^۶.

-
۱. جعفرزاهدی، زین الدین؛ مبادی فن خطابه؛ مطالعات اسلامی، ش ۱۴، بهار ۱۳۵۴، ص ۱۷۴-۱۷۷.
 ۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۰۰-۱۷۵ق)؛ کتاب العین، ج ۴، ص ۲۲۲؛ ابن منظور، محمد بن مکرم (۶۳۰-۷۱۱ق)؛ لسان العرب، ج ۱، ص ۳۶۰.
 ۳. ازهری، محمد بن احمد (۲۸۲-۳۷۰ق)؛ تهذیب اللغة، ج ۷، ص ۲۴۵.
 ۴. ابن فارس، اسد بن فارس (۳۹۵مق)؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۱۹۸.
 ۵. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۲۵۳ق)؛ الصحاح، ج ۱، ص ۱۲۱.
 ۶. طریحی، فخر الدین بن محمد (۹۷۹-۱۰۸۵ق)؛ مجمع البحرین، ج ۲، ص ۵۱.

د: در فرهنگ‌های فارسی «خطبه» به گفتاری گفته می‌شود که مشتمل بر پند و اندرز باشد و با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و حمد خدای تعالی و درود بر پیغمبر آخرالزمان صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آغاز شده باشد.^۱

در اصطلاح «خطابه» نوعی از سخن و گونه‌ای از تعبیر و بیان است که هیجان‌انگیز بوده و به منظور انجام یا ترک عمل، به طور رسمی برای جمع گفته شود^۲ تا به وسیله آن کسانی که استعداد پذیرش برهان عقلی را ندارند، قانع نمایند.^۳

از سخن فوق چنین برداشت می‌شود که در خطبه خواندن احساسات احساسات نیز در قلمرو گوینده در می‌آید و مخاطب را از خود بی‌خود می‌کند که گذشت زمان و مکان را فراموش کرده و مسحور سخن خطیبی می‌شود که در بلاغت ید طولانی دارد و چنان تحت تأثیر قرار می‌گیرد که بی اختیار دنبال مفاد کلام می‌باشد و گاهی آنچنان احساساتش تحریک می‌شود که همچون «همام» جان به جان آفرین تسلیم نماید.^۴

موضوع خطابه به مناسبت حال و مقام شنوندگان از سوی خطیب چنان انتخاب می‌شود که سودمند واقع گردد؛ همچنین در خطابه لازم نیست تمام نکته‌های دقیق علمی و مطالب تحقیقی بیان شود؛ زیرا تحقیقات عمیق مربوط به مجالس درس و استدلال‌های برهانی و مناظره‌های جدلی است^۵، علاوه بر رعایت این نکته، خطیب باید برخی شرایط را نیز در ادای خطبه در نظر داشته باشد:

الف: الفاظ خطابه، بلیغ، فصیح، روان و دلپذیر باشد و اگر به صورت نظم مسجع (با سجع و قافیه) و نثر مرصع (کلمات موزون) تشکیل یابد، بر شنوندگان بیشتر تأثیر می‌گذارد.

۱. دهخدا، علی اکبر (۱۲۵۸-؟-۱۳۳۴ش)؛ لغت نامه دهخدا؛ ج ۷، ص ۹۸۶۸؛ حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، ج ۵، ص ۱۴۶.

۲. سپهر خراسانی، احمد؛ امام علی علیه‌السلام بزرگترین خطیب تاریخ؛ فصلنامه نهج‌البلاغه، ش ۱، ص ۴۳.

۳. جعفرزاهدی، زین الدین؛ مبادی فن خطابه؛ مطالعات اسلامی، ش ۱۴، بهار ۱۳۵۴، ص ۱۷۹.

۴. ر.ک. خطبه ۱۹۳، ص ۲۱۴.

۵. جعفرزاهدی، زین الدین؛ مبادی فن خطابه؛ مطالعات اسلامی، ش ۱۴، بهار ۱۳۵۴، ص ۱۸۷.

ب: سخنور باید آهنگ و آوایش را مناسب حال و مقام قرار دهد؛ چنانکه گاهی خنده رویی، زمانی به حالت مصیبت دیده، وقتی با صدای بلند و هنگامی آهسته، برخی از سخنان را به آرامی و برخی را به درشتی ادا نماید^۱.

اگر موارد فوق در ایراد خطبه رعایت شود، می‌توان فواید زیر را از آثار آن شمرد: اطلاع رسانی، اقناع (قانع نمودن مطلبی)، انذار، توییح، تفریح (خشنود ساختن)، تعلیم (آموزش دادن)، ترغیب (متمایل ساختن) و...^۲

همانطوری که گفته شد خطابه و سخنوری، تاریخی به قدمت نسل بشریت دارد، ولی اعراب در زمینه حماسه‌سرایی و شعر و غزل، دستی برتر از دیگر مردمان داشته‌اند؛ چرا که محیط صحرا و زندگی ساده بیابانگردی و آسمان پرستاره شب‌ها ذوق پرور بود و قریحه شاعری را تحریک می‌کرد و سبب رشد ادبی و بویژه شعر و شاعری و سخنوری می‌شد. با ظهور اسلام فن خطابه مقام خود را از دست نداد؛ بلکه تحولی شگرف در آن به وجود آمد، سبک خطابی عصر جاهلیت که در قید سجع و افکار محدود و موضوع‌های بدوی بود، جنبش اسلامی را کفایت نمی‌کرد، پیغمبر اسلام و جانشینان به حق او از جمله علی علیه‌السلام، خطابه را از زمین به آسمان بردند و پس از آن هم‌این رویه دنبال شد^۳ به طوری که علی علیه‌السلام را بزرگترین خطیب تاریخ می‌دانند^۴.

۱-۴- واژه «نهج‌البلاغه»

نهج‌البلاغه که در لغت به معنای «شیوه بلاغت» می‌باشد، منتخبی از خطبه‌ها، دعاها، وصایا، نامه‌ها، و جمله‌های کوتاه مولای متقیان علی علیه‌السلام است که توسط ادیب بزرگوار،

۱. پیشین، ص ۱۸۸ و ۱۸۹.

۲. مظفر، محمدرضا (۱۹۰۴-۱۹۶۴م)؛ المنطق، ص ۳۶۸ و ۳۶۹؛ جعفرزاهدی، زین‌الدین؛ مبادی فن خطابه؛ مطالعات اسلامی، ش ۱۴، بهار ۱۳۵۴، ص ۱۷۹-۱۸۲. برای اطلاع بیشتر رک. موسوی، محسن باقر؛ المدخل الی

علوم نهج‌البلاغه، ص ۱۳-۹۰؛ و مظفر، محمدرضا (۱۹۰۴-۱۹۶۴م)؛ المنطق، ص ۳۶۵-۳۸۵.

۳. سپهر خراسانی، احمد؛ امام علی علیه‌السلام بزرگترین خطیب تاریخ؛ فصلنامه نهج‌البلاغه، ش ۱، ص ۴۶ و ۴۷.

۴. همو؛ علی علیه‌السلام، بزرگترین خطیب تاریخ، یادنامه کنگره هزاره نهج‌البلاغه، ص ۲۷۱-۲۹۰.

مرحوم سید رضی رضوان‌الله‌علیه^۱ در سال ۴۰۰ هجری از میان صدها کتاب و منبع گردآوری و تنظیم شده‌است.

علی‌علیه‌السلام مرد سخن بود و خطابه‌های فراوان انشا کرده‌است؛ ولی آنچه که در نهج‌البلاغه آمده‌است تمام سخنان و خطبه‌های حضرت را در بر نمی‌گیرد. چنان که مسعودی که به طور تقریب صد سال پیش از سید رضی می‌زیسته است (متوفای ۳۴۶ق)، تعداد خطبه‌های امام را بالغ بر چهارصد و هشتاد و اندی دانسته و می‌نویسد: «والندی حفظ الناس عنه من خطبه فی سائر مقاماته اربعمائه خطبة و نیف و ثمانون یوردها علی البدیة تداول الناس ذلک عنه قولا و عملا^۲»؛ آنچه مردم از خطابه‌های علی‌علیه‌السلام در مقام‌های مختلف حفظ کرده‌اند، بالغ بر چهارصد و هشتاد و اندی می‌شود که حضرت آنها را بدون یادداشت و پیش‌نویس انشا کرده‌است و مردم، هم الفاظ آن را گرفته و هم به طور عملی از آن بهره می‌بردند.

سید رضی بر طبق آنچه در مقدمه نهج‌البلاغه می‌نویسد، قصد نوشتن و جمع‌آوری تمام سخنان حضرت را نداشته است، به همین جهت از بین منابع فراوانی که داشته، قسمت‌هایی را گلچین نموده است؛ لذا در عبارت‌های مختلف نهج‌البلاغه تعبیر «منها» به کار رفته‌است و البته تنها شریف رضی نیست که سخنان مولای متقیان را جمع‌آوری نموده است، بلکه گردآورندگان سخنان حضرت امیر علی‌السلام قبل از سید به هفتاد نفر بالغ می‌شوند^۳ و باین وجود ماندگارترین اثر در این زمینه در قرن چهارم شکل گرفته‌است، زیرا:

الف: قرن چهارم دوران شکوفایی شعر و ادب اسلامی و شیعی بود و سید رضی از جمله چهره‌های آشنا و برجسته این قرن است، در این سده کتابخانه‌ها رونق گرفت و آزادی شیعیان به حدی رسید که در تشییع جنازه شیخ مفید (استاد شریف رضی) حدود هشتاد هزار نفر شرکت نمودند که این رقم در تاریخ آن روز بی‌سابقه بود.

۱. برای اطلاعات بیشتر در مورد سید رضی ر.ک. فصلنامه نهج‌البلاغه، ش ۶ و سیدعلوی، ابراهیم؛ یادنامه کنگره علامه شریف رضی.

۲. مسعودی، علی بن حسین (م ۳۴۶ق)؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۳۱.

۳. سیدعلوی، ابراهیم؛ یادنامه کنگره علامه شریف رضی، ص ۲۹۱-۳۲۰.

ب: قرن چهارم شاهد تشکیل اولین حکومت شیعی در جهان اسلام بود، «آل بویه» در سال ۳۳۴ هجری بغداد را فتح کرد و به دنبال آن، علمای شیعه در بغداد با تمام توان به فعالیت و نشر افکار تشیع پرداختند، شیعیان نیز در سایه این حکومت از انزوا بیرون آمده و توانستند آزادانه مناسک و افکار خویش را اعلام نمایند.

ج: مهم تر از همه آنکه قرن چهارم آغاز غیبت کبری است و شیعیان که با غیبت امام خویش مواجه شدند؛ برای ایستادن روی پای خویش و حفظ مذهب خود، اقداماتی برای حفظ گنجینه گران قدر و میراث عظیم ائمه علیهم السلام انجام دادند؛ حرکت شیعیان در این عصر به حدی چشمگیر بود که سده چهارم به قرن تالیف و ترجمه و تدوین کتب اسلامی مشهور گشت، در این دوران حوزه‌های علمیه فراوانی در کشورهای اسلامی تشکیل شد و علمای بزرگوار با تمام تلاش خود برای پرورش افراد مستعد و نشر علوم اهل بیت علیهم السلام دست به کار شدند^۱.

سید رضی که خود شاعری ادیب و تواناست، چون اعجاز علی علیه السلام را در زمینه بلاغت و فصاحت دید، با جمع آوری این کتاب، فضیلت امام را علاوه بر فضیلت‌های فراوان دیگر به اثبات رساند، او با این کتاب ثابت کرد که تنها پرچم دار و یکه تاز میدان‌های سیاست، جنگ، زهد، عبادت و... در زمینه ادب و سخنوری نیز به بالاترین درجات آن رسیده و در مقامی است که هیچ انسان دیگری به آن حد نرسیده است. به خاطر رعایت این جنبه است که شریف رضی هیچ گونه ترتیب موضوعی برای نهج البلاغه قرار نداده؛ بلکه آن را بر اساس سه محور اصلی تنظیم نموده است:

۱. خطبه‌های امام که شامل ۲۴۱ مورد است که در مناسبت‌های مختلف از وفات رسول خدا گرفته تا دوران حکومت خویش ایراد کرده است و دعاهای حضرت امیر را هم شامل می‌شود.

۲. نامه‌ها که شامل ۷۹ نامه و وصیت امام علیه السلام است که به طور تقریبی تمام آنها در دوران خلافت نوشته شده است.

۳. کلمات قصار که ۴۸۰ حکمت از موضوعات مختلف این بخش را تشکیل داده است.